



## "ایشان گاهی به طور ناشناس به مناطق فقیرنشین می‌روند"

از دیگر خصوصیات مهم رهبر معظم انقلاب، نگاه و برداشت ایشان از مردم بود. آقا نسبت به مردم نگاه دیگری داشتند. برای همین ایشان نیروی اصلی در روند انقلاب و پیروزی آن را مردم می‌بینند...

از دیگر خصوصیات مهم رهبر معظم انقلاب، نگاه و برداشت ایشان از مردم بود. آقا نسبت به مردم نگاه دیگری داشتند. برای همین ایشان نیروی اصلی در روند انقلاب و پیروزی آن را مردم می‌بینند.

رجانیوز: "مقتدر مظلوم" توصیفی است که با دوران امیرالمومنین (ع) مطابقت داده می‌شود. توصیفی که شاید طی ماههای اخیر نیز رواج پیدا کرد و خواه نا خواه از ناگفته ماندن بسیاری از واقعیت‌ها حکایت داشت. آنچه در پی می‌آید خاطرات حجت‌الاسلام و المسلمین محمدباقر فرزانه رئیس دانشگاه علوم اسلامی رضوی و امام جمعه موقت مشهد مقدس است از رهبر انقلاب. او از ابعاد شخصیتی ایشان می‌گوید و از پیگیری امور مردم در مشهد و بم:

### 1. خودساختگی

در فضل ایشان، همین بس که در حوزه علمیه مشهد، کسی نمی‌توانست در فضل ایشان به معنای متعارف تردید کند. خودساخته بودن رهبر معظم انقلاب هم در لحظه‌لحظه رفتار و عملشان مشاهده می‌شد.

در برنامه‌ای هم که ایشان برای طلبه‌ها تنظیم کرده بودند این بود که طلبه‌ها اول نزد استادی بروند و آموزش اخلاقی ببینند. ایشان برای هر امری، دلیلی داشتند و نسبت به آموزش اخلاقی می‌گفتند: "همه شما بچه روستا هستید. بچه‌های روستا ضمن این‌که از استعداد و سلامت و اعصاب آرام و خوبی برخوردار هستند، کوله‌باری از محرومیت به همراه دارند. وقتی چنین افرادی به حوزه وارد می‌شوند، اگر تحصیل کنند و به لحاظ علمی به مقامی برسند و قدرتی پیدا کنند اگر آموزش اخلاقی ندیده و خود را نساخته باشند، آن محرومیت‌ها به عقده تبدیل می‌شود. تنها چیزی که می‌تواند آن محرومیت‌ها را تبدیل به عقده نکند، آموزش‌های اخلاقی است. کسی که این عقده‌ها در درونش حل نشود، وقتی به جایگاه و قدرتی برسد، شروع به عقده‌گشایی خواهد کرد." منشأ بعضی از رفتارها در گروهی از افراد بعد از انقلاب همین مسأله بوده است. پس طلبه باید در تمام شرایط، بر خودش مسلط باشد و در فراز و نشیب‌های زندگی تمرین تسلط بر خود داشته باشد؛ وگرنه روزی چراغ قرمزش روشن خواهد شد.

### 2. توان سیاسی و دشمن‌شناسی

آگاهی و درک و فهم سیاسی ایشان در حدی بود که همه به درک بالای ایشان از مسائل معترف بودند. دشمن‌شناسی دقیق ایشان بسیار مورد توجه بود. دشمن‌شناسی یک هنر است و کسی به طور طبیعی دشمن‌شناس نخواهد شد. حتی اگر کسی دروس حوزه را تا حد اعلا تحصیل کند، لزوماً دشمن‌شناس نیست. دشمن‌شناسی، احتیاج به آگاهی و تیزهوشی نسبت به مسائل پیرامون دارد. سال 49 رهبر معظم انقلاب در منزل شهید موسوی قوچانی، برای جمع محدودی، بحثی داشتند. بعد از اتمام جلسه من به اتفاق ایشان بیرون آمدم؛ ایشان به من فرمودند: "سازمانی کشف شده است به نام مجاهدین خلق؛ از الآن بدانید که این افراد در اسلام‌شناسی و در معرفت دینی، مشکل دارند و در آینده نیز به خاطر همین مسأله با مشکلات عمده‌ای مواجه خواهند شد." آن زمان که هنوز کم‌تر کسی از وجود چنین سازمانی اطلاع داشت، رهبر معظم انقلاب با آگاهی کامل، دورنمای فعالیت‌های آن‌ها را می‌دانستند.

گروه‌های سیاسی که در ایران فعالیت می‌کنند، همه‌ی آن‌ها دارای شجره‌نامه‌ی کاملی نزد رهبر معظم انقلاب هستند. یعنی اگر کسی بخواهد کامل‌ترین قضاوت یا معرفت را نسبت به هر یک از گروه‌های سیاسی امروز و دیروز ایران داشته باشد، کسی جز رهبر معظم انقلاب نیست که می‌تواند بهترین تفسیر را از عملکرد و شاکله‌ی آن‌ها داشته باشند.

اگر انسان بینش سیاسی قوی نداشته باشد، دشمن‌شناس هم نخواهد بود و کسی که دشمن‌شناس نباشد خیلی زود فریب می‌خورد. نمونه‌ی آن هم در تاریخ موجود است. در طول تاریخ علمای بزرگی فریب نیروهای ستمگر و سیاست‌باز و قلابی هم‌دوره‌شان را خوردند. با همه‌ی تقوی و دانش و معرفتشان، چون دشمن‌شناس نبودند فریب خوردند. بنابراین باید متوجه بود که هرچه از عمر انقلاب بگذرد، مسأله‌ی دشمن‌شناسی، حساس‌تر و مهم‌تر خواهد شد. طلبه باید هنر دشمن‌شناسی را در خود تقویت کند. انسانی که دشمن‌شناس نیست، در حد قدرتی که داراست، می‌تواند به آسانی ملت را در تور دشمن بیندازد؛ بدون این‌که خودش متوجه باشد و چنین قصدی داشته باشد.

آمریکا نسبت به امام و شهید بهشتی نظر خاصی داشت. بعد از تسخیر لانه‌ی جاسوسی در ایران، کنگره‌ی آمریکا کارتر را احضار کرد و برخورد شدیدی با او نمود و گفت: ایرانی که دهه‌های متوالی در اختیار ما بوده، چگونه ما را شکست داد و تحقیر نمود؟ کارتر در جواب می‌گوید: اگر در ایران سه‌پیز نبود، من انقلاب ایران را شکست می‌دادم.

اول: شخص امام خمینی؛ چون من نمی‌توانم فکر ایشان را بخوانم و پیش‌بینی کنم برای فردا چه تصمیمی دارد. برای همین من همیشه باید در حالت دفاع باشم و هرگز نتوانستم در حال هجوم باشم. دوم: حزب جمهوری اسلامی؛ چون تا تصمیم بگیرد، مردم به خیابان‌ها می‌آیند. سوم: آقای بهشتی؛ چون این فرد را نتوانستم به هیچ شیوه‌ای فریب دهم. نه اهل معامله بود، نه اهل ترس بود و

نه فریب می‌خورد.

از نظر کارتر، این‌ها عوامل شکست آمریکا از انقلاب اسلامی ایران بود که منشاء همه‌ی این موفقیت‌ها هم هنر دشمن‌شناسی است. اصرار ما بر بالا رفتن آگاهی سیاسی طلبه، به این معنا نیست که ما از طلبه بخواهیم سیاست‌باز باشد، مطالعه نکند و یا درس نخواند. بلکه منظورمان هوشیاری و آگاهی طلبه از مسائل سیاسی است. چون اگر این‌گونه نباشد، فریب خواهد خورد. اگر آگاهی سیاسی بالا نباشد، نمی‌توانیم مردم را هدایت کنیم و به آن‌جایی که باید، برسانیم.

رهبر معظم انقلاب دارای این اوصاف بوده و هستند. به همین خاطر است که آمریکا را به لحاظ سیاسی در موضع دفاع نگاه داشته‌اند، نه در موضع هجوم. اگر ما در موضع دفاع بودیم، آمریکا با ما رفتار دیگری داشت. اما آمریکا مرتب در حال دفاع است و این مستقیماً مرتبط با شخص رهبر معظم انقلاب و نشأت گرفته از همان قدرت درک سیاسی و دشمن‌شناسی است.

### 3. احترام فوق‌العاده به مردم

از دیگر خصوصیات مهم رهبر معظم انقلاب، نگاه و برداشت ایشان از مردم بود. آقا نسبت به مردم نگاه دیگری داشتند. برای همین ایشان نیروی اصلی در روند انقلاب و پیروزی آن را مردم می‌بینند. ایشان همیشه به مردم احترام فوق‌العاده می‌گذاشتند و طوری رفتار می‌کردند که مردم جذب شوند، فرار نکنند، زده نشوند و...

ایشان همیشه می‌گفتند به مقدسات مردم، اهانت نکنید. مردم بعضی چیزها را چه به درست و چه به غلط مقدس می‌پندارند. کسی حق اهانت به آن مقدسات را ندارد، بلکه اگر می‌خواهند کاری انجام دهند باید فکر آن‌ها را روشن نمایند و به آن‌ها بفهمانید که آنچه مقدس می‌شمارید، مقدس نیست. باید مقدسات را با خصوصیات و ویژگی‌هایش به مردم شناساند، نه این‌که با مقدسات مردم مبارزه کرد.

به همین دلیل آیت‌الله خامنه‌ای بسیار به مردم کمک می‌کردند. به عنوان نمونه در سیل قوچان، زلزله‌ی طبرس و زلزله‌ی کاخک گناباد، ایشان نسبت به کمک‌رسانی به مردم بسیار حساس بودند. با این‌که در تبعید به سر می‌بردند ولی دائماً در فکر مردم بودند.

وقتی ایشان در "چابهار" تبعید بودند، ما به اتفاق چند نفر از علما خدمت ایشان رسیدیم. بعد از مدتی صحبت و گفت‌وگو، ایشان فرمودند: "یک مسأله‌ای هست. این‌که من خیلی دوست دارم به مردم محروم این منطقه کمک کنم؛ اما پولی ندارم." ما هم پول جمع کردیم و خدمت ایشان فرستادیم و ایشان نیازهای مردم را تأمین می‌کردند. به تدریج مردم به ایشان گرایش پیدا نمودند. در همین حال سیلی آمد و مردم خیلی صدمه دیدند. ایشان بلافاصله، یک ستاد کمک‌رسانی تشکیل دادند. همه نیروهایی که آقا را می‌شناختند و یا با ایشان مرتبط بودند، کمک‌ها را آوردند و در ستاد کمک‌رسانی ایشان متمرکز کردند. دستگاه شاه، یک مرتبه دید که هیچ‌کاره است و کسی به آن‌ها مراجعه نمی‌کند. ادارات خلوت شد و هر کسی هر کاری داشت، به ستاد مراجعه می‌کرد. کار دولت مختل شده بود. بعد این ماجرا ایشان را به مکانی دیگر تبعید کردند؛ چون مردم را به طرف خودشان جذب کرده بودند. ایشان الآن هم همین حالت را دارند. آقا مسؤولی است که در عین رهبری، بیشترین ارتباط را نسبت به هر کسی که فکر می‌کنید، با مردم دارد. گاهی به مشهد که می‌آیند، با یک وانت به محله‌های فقیر مشهد می‌روند و وارد خانه‌ی آن‌ها می‌شوند و از نزدیک با مردم صحبت می‌کنند.

در مسئله زلزله بم، ایشان به صورت ناشناس وارد منطقه شدند. حتی استاندار هم خبردار نشد. ایشان معتقد هستند که روحانی، برای رسالت خود در ارتباط با مردم متلش، مثل ماهی است و دریا. ماهی در دریا تولید می‌شود، در دریا رشد می‌کند و در دریا هم به کمال می‌رسد. روحانی از مردم تولید می‌شود، در میان مردم رشد می‌کند و در میان آن‌ها هم به کمال می‌رسد. ایشان به مسؤولان می‌گویند: "مردم را کم نبینید؛ مردم را کم نگیرید. اصلاً ارتباط با مردم عادی باید جزء برنامه زندگی‌تان باشد." موضوع کار ما مردم هستند. مگر ما غیر از مردم کار دیگری هم داریم؟ موضوع کار ما همان موضوع قرآن است. موضوع قرآن هم مردم است، "ناس" است، "انسان" است.

### 4. دریافتی متعالی از اسلام

از خصوصیات دیگر ایشان، برداشت و تفسیر عالی از اسلام بود. به این معنا که دین را به گونه‌ای جامع تفسیر می‌کردند که جز در قالب یک نظام اجتماعی و حکومتی شکل پیدا نمی‌کرد. اگر بگوییم که اسلام چیزی است در کنار زندگی، یک مسأله است و اگر بخواهیم بگوییم اسلام راهی است برای زندگی، مسأله دیگری است. اگر بگوییم اسلام چیزی است در کنار زندگی، نیاز به حکومت اسلامی نداریم. چون در هر حکومتی می‌توانیم دین‌دار زندگی کنیم؛ چه در آمریکا باشیم، چه در آلمان و چه در هر جای دیگری. اما اگر بگوییم دین راهی است برای زندگی، جز در یک حکومت اسلامی نمی‌شود زندگی کرد. جز با یک حکومت اسلامی نمی‌شود مسلمان زندگی کرد. دین راه زندگی است، یعنی همه‌ی کارهای من، همه‌ی فعالیت‌ها و تلاش‌های من، باید در یک راه باشد که آن راه دین است. این بینش از اسلام می‌گوید که دین باید حکومت داشته باشد. دین بدون حکومت نمی‌تواند دین باشد. اما اگر دین را این‌گونه تعریف کنیم که عبارت است از یک سلسله عقاید مخصوص در ذهن و یک سلسله مسائل اخلاقی و احکام مشخص، در هر جایی می‌توانیم دین‌دار زندگی کنیم. در آمریکا می‌توانیم معتقد به امامت علی‌بن‌ابی‌طالب باشیم و توحید و معاد و قیامت را قبول داشته باشیم. این‌گونه مسلمان بودن، فقط در زندگی شخصی و فردی نمود دارد و تأثیرگذار است. اما کدام پیامبر و یا امام، دین را این‌گونه تعریف کرده است؟! بلکه دین رابطه‌ی انسان را با انسان‌های دیگر تعیین می‌کند؛ وظیفه‌ی انسان را نسبت به سایر انسان‌ها مشخص می‌سازد. رابطه‌ی انسان را با طبیعت و جهان مادی معین می‌کند. اگر دین این‌گونه بود، دیگر نمی‌شود خارج از دین زندگی کرد.

پس اگر قرار باشد دین در همه‌ی کارها نمود داشته باشد، جز در یک نظام اجتماعی و حکومتی، نمی‌شود این کار را انجام داد. دین راه زندگی است، نه چیز دیگری در کنار زندگی. آنچه با پذیرفتن اصل "دین، راه زندگی است" مشخص می‌شود، تسلط کامل طلبه بر علوم حوزوی و آگاهی کامل از جهانی است که در آن زندگی می‌کند. به عبارتی ساده‌تر، اسلام را جز در قالب یک نظام اجتماعی و حکومتی

نمی‌توان تعریف کرد. جز در این قالب، قابل تعریف نیست.

#### 5. جذب همه اقشار جامعه

آیت‌الله خامنه‌ای با داشتن خصوصیات چهارگانه‌ای که گفته شد، محور همه‌ی کسانی شدند که می‌خواستند دین را بشناسند و اهل سیاست بودند؛ اهل دین و دیانت. ایشان مجموعه‌ای را جذب کرده بودند که در آن، هم سیاسی دیده می‌شد، هم مبارز، هم انسانی که طالب است اسلام را بشناسد و هم متدین بازاری و هم جوان دانشگاهی علاقمند به شناخت دین. همه‌ی این افراد در آن مجموعه حاضر می‌شدند و استفاده می‌کردند. درس تفسیر ایشان در تاریخ مشهد بی‌نظیر بود. جلسه‌ی تفسیر ایشان از 6 نفر شروع شد و روزی که تعطیل کردند، هفتصد هشتصد نفر طلبه‌ی جوان، دانشجو و قشر عظیمی پای درس تفسیر بودند. ایشان در جذب افراد، جامعیت جالبی داشتند. از همه‌ی گروه‌ها و اقشار پیرامون ایشان جمع می‌شدند. ایشان محور مبارزه و تغذیه‌ی اندیشه‌ی مبارزاتی اسلام در مشهد بودند.

رهبر معظم انقلاب همیشه سعی می‌کردند در متن مردم متدین باشند. برای همین مسجد را به عنوان یک مرکز ارتباطی با مردم، نماز جماعت خواندن، درس اخلاق و تفسیر گفتن، برمی‌گزیدند. چون مسجد بهترین مکان است برای اجتماع افراد متدینان. مرکز طبیعی ارتباط روحانی با مردم همین مساجد است.

#### 6. گزینش و پرورش طلاب مستعد

از خصوصیات ممتاز دیگر ایشان، انتخاب و گزینش طلبه‌های مستعد و سالم و پرورش آن‌ها در جلسات خصوصی بود. ایشان معتقد بودند جلسات خصوصی که افراد کم‌تری حضور دارند، بهترین مکان برای ساختن و تربیت نیروهای توانمند، کارآمد و مؤثری است که در آینده بشود از آن‌ها استفاده نمود. افرادی که در این گروه‌ها و جلسات خصوصی پرورش می‌یافتند، دارای خصوصیات و حالات ویژه‌ای بودند. از جمله این‌که نسبت به هر مسأله‌ای، احساس مسؤولیت عمیقی پیدا می‌کردند و انسانی که احساس مسؤولیت کند، دیگر در مورد مسائلی که در اطرافش می‌گذرد، بی‌توجه نیست.